

دولت موقت

قاسم تبریزی، تاریخ‌پژوه در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

در برابر حملات صدام منفعل بود

ناگفته‌ای از خاطره آیت‌الله خامنه‌ای از جلسه هیات صلح با شهید رجایی

در منابع تاریخی روایت‌های متعددی درباره چگونگی آغاز جنگ تحمیلی وجود دارد، برخی تنش‌های میان دو کشور ایران و عراق را عامل آغاز جنگ می‌دانند و برخی قدرت‌طلبی صدام را. برخی هم مسبب اصلی را ابرقدرت‌های وقت دانسته و صدام را عامل آنها معرفی می‌کنند. به نظر شما چه مقدماتی سبب شد که میان دو کشور همسایه چنین درگیری‌ای شکل بگیرد؟

یکی از فرازهای مهم انقلاب‌پا دیده جنگ تحمیلی یا به تعبیری دیگر دفاع مقدس است. باتوجه‌به اینکه همه‌توطئه‌های آمریکا در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی با شکست مواجه شد، آنها به دنبال این بودند که به هر ترتیب در داخل ایران قدرت‌نمایی کنند. اسناد و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که اگر سفارت آمریکا را تسخیر نکرده بودیم اجرای یک کودتا در داخل کشور حتمی بود. اگرچه حتی در اظهارات مایکل برنت، هنری کیسینجر و جیمی کارتر نیز می‌توان این را دید. شکست حمله طیس و کودتای نقاب از جمله مواردی است که نشان می‌دهد استعمار وقت درصدد بازپایی قدرت خویش در ایران بود. مضاف بر اینکه بعد از انقلاب فرماندهان رده‌بالای ارتش را بازنشسته کردند و آنهایی که جنایت و خیانت کردند یا اعدام یا زندانی شدند. در نتیجه قدرت‌های جهانی به رهبری آمریکا فضا را برای حمله نظامی مهیا دیدند. آن روز قوی‌ترین قدرت نیروی زمینی در منطقه از آن عراق بود. طبق تحلیل مصطفی طلاس، فرمانده لشکر ارتش سوریه از دوره‌ای که صدام در مصر بود با سازمان سیا ارتباط داشت. وی می‌گوید جمال عبدالناصر به خاطر همین صدام را از مصر اخراج کرد.

به هر حال مقدماتی سبب شد که استعمارگران برای حمله نظامی به ایران توسط رژیم بعث عراق تصمیم قطعی گرفتند. تحلیل‌شان این بود که تا ارتش منظمی در ایران شکل بگیرد باید زمانی بگذرد، سپاه پاسداران هم نه امکانات نظامی داشت و نه به‌خوبی سازماندهی شده بود. درون دولت هم که اختلافاتی وجود داشت، یک‌سوی بنی صدر در برابر مجلس شورای اسلامی ودولتی که مجلس پیشنه‌دار کرده، ایستاده‌است و حتی حاضر نیست وزیر انتخاب کند؛ یعنی باید نگاهی به اوضاع سیاسی آن زمان هم داشته باشیم.

از طرفی حزب توده مشغول توطئه بود، جبهه ملی، حزب ملت ایران و حزب ایران با توجه به حرکت شاپور بختیار در برابر انقلاب قرار گرفته بودند، نهضت آزادی هم منتقد بود. چنانکه وقتی دولت رجایی در مجلس انتخاب شد از بازگان پرسیدند که چند درصد رجایی را تایید می‌کنید و او گفت یک درصد! این مطلب در روزنامه میزان هم نقل شده است.

به هر صورت، چنین درگیری‌های سیاسی‌ای در داخل داشتیم. درگیری‌های نظامی هم توسط حزب دموکرات و کوموله کردستان به کمک عراقی‌ها در منطقه وجود داشت که کشتار، جنایت و قتل عام می‌کردند.

این مسائل را در داخل کشور داریم. حال آیا ما شروع کننده جنگ هستیم یا عراقی‌ها؟ انقلاب که پیروز شد ما نه تنها با عراق بلکه با هیچ کشور همسایه‌ای مشکل نداشتیم. اما از ۱/۵ سال قبل از شروع جنگ حوادثی روی داد که مرور آن زمینه آغاز جنگ را به‌خوبی نشان می‌دهد:

۱۷ خرداد۱۳۵۸ هواپیماهای جنگنده ارتش عراق به حریم هوایی چند روستا در اطراف پاوه تجاوز کردند، عده‌ای زخمی و تعدادی به شهادت رسیدند.

۴ تیر ۱۳۵۸ عراق رسماً از ایران خواست نام خوزستان را به عربستان تغییر دهد. این مداخله را سوی ایران به‌شدت محکوم شد.

۱۷ تیر ۱۳۵۸ سازمان خلقی عرب که از سوی عراقی‌ها تقویت می‌شد ۹ لوله نفت جنوب را منهدم کرد.

۱۸ تیر۱۳۵۸ اوضاع کردستان متشنج شد حزب دموکرات و کوموله شروع به فعالیت کرد. **۲۴ تیر ۱۳۵۸** حزب دموکرات نیروهای سپاه پاسداران را در مرویان محاصره کرد. در این درگیری ۲۶ پاسدار شهید و ده‌ها نفر زخمی شدند.

۲۵ تیر ۱۳۵۸ خلق عرب مسجد خرمشهر را منفجر کرد و چند نفر شهید شدند. **۱۷ مرداد۱۳۵۸** روزنامه‌آیندگان در امان‌ن‌ده تشنجات کردستان خوزستان و ترکمن صحرا فعال شد و گزارش‌هایی در مورد مظلومیت و محرومیت این سه منطقه منتشر کرد.

۲۵ مرداد ۱۳۵۸ حزب دموکرات به پاوه حمله کرد. **۶ شهریور ۱۳۵۸** اواسفر عراقی در پاوه و چهار جاسوس اسرائیلی در کردستان دستگیر شدند.

۱۰ شهریور۱۳۵۸ ابراهیم یزدی با صدام حسین، معاون رئیس جمهور عراق در هاوانا ملاقات کرد و از وی برای سفر به ایران دعوت کرد اما صحبتی از تجاوزهای عراق به حریم ایران به میان نیامد.

۱۱ شهریور ۱۳۵۸ عبدالدین حسینی، از سران حزب کوموله و دموکرات علیه دولت ایران اعلام جنگ کرد.

۲۲ شهریور۱۳۵۸ آمریکایی‌ها یگان‌هایی از کماندوهای خود را در آب‌های تنگه هرمز مستقر کردند.

۱ مهر۱۳۵۸ انفجار بمب در قطار خرمشهر توسط عناصر حزب خلق عرب به‌شهادت هشت نفر و مجروح شدن عده‌ای منجر شد که البته هشت نفر از عوامل این اتفاق دستگیر شدند. **۱۴ مهر۱۳۵۸** انفجار بمب اعضای سازمان خلق عرب در بازار صیف خرمشهر عده‌ای را شهید کرد و در همین روز لوله نفت خوزستان هم منفجر شد.

۱۷ مهر ۱۳۵۸ حزب دموکرات ۵۲ پاسدار را دستگیر کرد و تعدادی از آنها را به شهادت رساند.

۱۲ آبان ۱۳۵۸ دولت عراق نسبت به خاک ایران ادعای ارضی کرد و تخلیه جزیره‌های ایرانی خلیج فارس و نیز حق حاکمیت بر اروندرود را خواستار شد.

۱۵ آبان ۱۳۵۸ عراق با خمیاره به ساختمان پهداری روستای سعدونی آبادان حمله و آن را تخریب کرد.

۶ دی ۱۳۵۸ عراق با سلاح سنگین مرزهای ایران در منطقه تنگه هامون را زیر آتش گرفت. **۱۱ دی ۱۳۵۸** کردهای مسلح کوموله ۱۰ پاسدار را در پاوه شهید کردند.

۲۰ فروردین ۱۳۵۹ بیش از ۶۰ هزار ایرانی مقیم عراق توسط دولت آن کشور اخراج و به مرز خسروی وارد شدند.

۲۰ فروردین ۱۳۵۹ بران و عراق در برخی نقاط مرزی همچون دارخوین و تنگه هامون با یکدیگر درگیر شدند.

۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ طرح حمله آمریکا در طیس با شکست مواجه شد. **۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹** چند عضو حزب بعث به سفارت ایران در لندن حمله کردند.

۱۲ خرداد۱۳۵۹ عراق قصرشیرین را بمباران کرد. نیروهای بعثی طی دو روز بعد با چند دستگاه تانک مناطق مرزی ایران را زیر آتش گرفتند.

۱۸ تیر ۱۳۵۹ کودتای شبکه نقاب کشف شد.

۳۱ مرداد ۱۳۵۹ ارتش عراق به پاسگاه مرزی دهلران و نفت‌شهر حمله کرد.

۲۴ مرداد ۱۳۵۹ ۱۱۰ نفر در انفجار انبار راهسازی گچساران به شهادت رسیدند که گروهک خلق عرب مسبب آن بود.

۳۰ مرداد۱۳۵۹ انفگذاران آمریکایی در آب‌های جنوب خلیج فارس مستقر شدند.

۱۴ شهریور ۱۳۵۹ ارتش عراق پاسگاه‌های دهلران و نفت‌شهر را مورد حمله قرار داد.

۱۶ شهریور ۱۳۵۹ ارتش عراق به پاسگاه‌های ایلام، قصرشیرین، خرمشهر، خسروآباد، نفت‌شهر و سوسمار حمله کرد.

سیاست



حداقلص پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا آغاز رسمی جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

روزهای سختی بر کشور گذشت. از یک طرف خیانت برخی جریان‌ها و چهره‌های سیاسی و از طرفی شورش برخی گروهک‌های منافق و تجزیه‌طلب روزهای پرتلاطمی را برای مردم رقم زد و افق انقلاب اسلامی را در نگاه دلسوزان تیره و تار کرد. در همین اوضاع و احوال ایالات متحده که از انقلاب اسلامی مردم زخم خورده

بود، فرصت را مناسب دید تا به یاری دیگر امپریالیست وقت، شوروی کمونیستی، سرکرده رژیم بعث را پیش‌بیندازد و ظرف یک هفته تهران را اشغال کند. اما این نقشه در همان روزهای ابتدایی نقش بر آب شد و دست دشمنان مردم و انقلاب اسلامی به وجبی از خاک کشور نرسید. به هر حال درباره مقدمات آغاز جنگ تحمیلی حرف و حدیث بسیار است. آنچه در ادامه می‌خوانید مشروح گفت‌وگوی «فرهیختگان» با قاسم تبریزی، نویسنده و تاریخ‌پژوه است که طی آن ضمن مرور برخی تحلیل‌های مرتبط با دفاع مقدس، برخی گزاره‌ها که نشان می‌دهد عراق تجاوز به حریم جمهوری اسلامی را یک سال و نیم قبل از تاریخ رسمی شروع جنگ آغاز کرده بود، ذکر شده است.

داریم صلح کنیم. هفت‌رئیس جمهور هم به اینجا آمدند و گفتند صلح کنید. حالا هم تا اینجا ی مطلب‌رامی گویند اما اصل موضوع مطرح نمی‌شود که چرا صلح را قبول نکردیم؟ اولین مساله برای ما این بود که اعلام کنند متجاوز چه کسی است؟ شما که حرف از صلح می‌زنید معلوم کنید متجاوز کیست؟ مساله سوم که متاسفانه به آن توجه نمی‌شود این است که پس از فتح خرمشهر بخشی از خاک ایران هنوز در اشغال عراق بود. من اتفاقاً در سال ۶۱ مصاحبه‌ای با آیت‌الله خامنه‌ای داشتم که آن زمان رئیس جمهور بودند. می‌خواستیم یک یادنامه‌ای درباره شهید رجایی بنویسیم. خدمت آیت‌الله خامنه‌ای رفتم که خاطرات خود را از شهید رجایی بیان کنند. گفتند شهید رجایی روحیه‌ای متمایز از سیاستمداران داشت. صریح و صادق بود. در زمان نخست‌وزیری شهید رجایی هیات صلحی برای میانجی‌گری میان ایران و عراق به تهران آمدند. گفتند شما صلح را قبول کنید، شهید رجایی گفت اول صدام از سرزمین‌های ما خارج شود بعد درباره صلح صحبت کنیم. این رسوا که با سر عرفات جره آنها بود- گفتند فعلا صلح را قبول کنید بعد آن مسائل حل می‌شود. پذیرش عراق به‌عنوان کشور متجاوز و پرداخت خسارات را هم قبول می‌کنیم.

ظاهرا عربستان قبول کرده بود، غرامت را بپرداز...

بله، سعودی‌ها قبول کردند که غرامت جنگی را پرداخت کنند. شهید رجایی گفت مساله اصلی ما سرزمین‌های ماست. اینها که در سرزمین‌های ما هستند نمی‌توان صلح را قبول کرد. رئیس‌جمهور یکی از کشورهای آفریقایی کنار شهید رجایی نشسته بود، گفت حالا شما صلح را قبول کنید تا بعد. آقای رجایی گفت دست‌تان را به من بدهید. دست او را گرفت و انگشتانش را فشار داد و او شروع به داد و فریاد کرد. او گفت تحمل کن بعد می‌خواهیم صحبت کنیم. سپس دستش را قدری بیشتر فشار داد. اما صدای او درآمد و گفت دستم را رها کن. شهید رجایی گفت حالا فهمیدید ماجرا چیست؟ عراق با ما این کار را کرده است. آنها در سرزمین ما هستند و شمامی‌گویید صلح را قبول کنید. آن‌روز این مطالب را آیت‌الله خامنه‌ای برای من نقل کردند.

الان من و شما بعد از ۳۱ سال می‌خواهیم نظر بدیم. اگر صلح را قبول کرده بودند و عراق از سرزمین‌ها نمی‌رفت مانند کاری که با بلندی‌های جولان و صحرای سینا کردند، امروز چه جوابی برای این کار وجود داشت؟ اگر صلح را قبول کرده بودیم و صدام هم از سرزمین‌های ما بیرون نمی‌رفت آن وقت انگیزه جنگ هم از بین رفته بود. ما قاجار را محکوم می‌کنیم که چرا ۱۷ شهر را از دست داد، رضاخان را محکوم می‌کنیم چرا چند روستای ما را به ترکیه یا آب ما را به افغانستان داد. محمدرضا را محکوم می‌کنیم چرا جنایت و خیانت کرد و بحرین را از ایران جدا کرد. اگر جمهوری اسلامی این کار را کرده بود با بقیه چه فرقی داشت؟

آیا حزب توده، نهضت آزادی، بازرگان، یزدی و جبهه ملی که همواره می‌گفتند در زمان فتح خرمشهر صلح را قبول کنیم، این مسائل را نمی‌فهمیدند؟ اگر نمی‌فهمیدند سیاستمدار نبودند و اگر سرزمین‌ها برای آنها مطرح نبود ملی نبودند. اگر هم می‌فهمیدند که می‌خواستند خیانت کنند.

بیشترین فشار را برای پذیرش صلح بعد از فتح خرمشهر از طرف چه کسانی داشتیم؟

۱۳

فتح خرمشهر در عرصه بین‌المللی چه بازتابی داشت؟
همه حیرت کرده بودند، قدرت جمهوری اسلامی آنجا نشان داده شد.

تا قبل از آن امید داشتند جمهوری اسلامی شکست بخورد ولی بعد از آن وضع تغییر کرد...؟
بله، واقعا عرصه عظیمی به حیثیت ارتش عراق وارد شد، یعنی تا کارآمدی ارتش نیروی زمینی عراق، تا کارآمدی نیروی هوایی و تا کارآمدی بمباران‌ها و قتل عام‌ها هم بود. تا کارآمدی رویکرد کشور‌های حامی صدام هم بود.

ظاهرا حادثه فتح خرمشهر در رسانه‌ها نیز بازتاب گسترده‌ای داشت...
بله، گویا سیاست رسانه‌ها این بود که جوسازی و ما را وادار به قبول صلح کنند. مرحله سوم تاریخ دفاع مقدس از سال ۶۵ و پس از عملیات کربلای ۵ شروع می‌شود. از سال ۶۵ به بعد عراقی‌ها احساس کردند تنها راه حل غلبه بر جمهوری اسلامی بمباران شیمیایی است. در برابر بمباران شیمیایی ما نمی‌توانستیم تلافی یا مقاومت کنیم و تهدید شهر‌ها را داشتیم. این یک بعد ماجرا بود و مساله دیگر گزارش برخی مسئولان مملکت دال بر افزایش مشکلات اقتصادی بود. مشکل تجهیزات نظامی داشتیم، مشکل مواد غذایی داشتیم. نیروهای حاضر در جبهه هم محدود بودند. امام (ره) فرمودند که مساله نیروی انسانی جدی نیست و من حلش می‌کنم، اما در مورد وضع اقتصادی و توان نظامی خودتان گزارش تهیه کنید و بسنجید.

این وضعیت مربوط به دو سال آخر جنگ است؟

بله، مجموعه مدیریت سیاسی- اقتصادی گزارشی تهیه کردند که ما مشکلاتی داریم و نمی‌توانیم بیش از این ادامه بدهیم. نکته‌ای را در اینجا مطرح کنم؛ امام به‌مسئولان اعتماد می‌کردند و امروز آیت‌الله خامنه‌ای هم همین‌مشی را دنبال می‌کنند، لذا نمی‌توان گفت مقصر صدام است. در برابر بمباران شیمیایی ما نمی‌توانستیم تلافی یا مقاومت کنیم و تهدید شهر‌ها را داشتیم. اما شرایط برای ادامه جنگ مهیا نیست و امام هم پذیرفت. در این برهه با پذیرش قطعنامه چیزی را از دست ندادیم و یک وجب خاک ما هم دست عراقی‌ها نبود، خلاف سال ۶۱ که پس از فتح خرمشهر بخش‌هایی از خاک ایران در تصرف رژیم بعث بود. پس از پذیرش قطعنامه برخی گمان می‌کردند که مردم منفعل شده‌اند، اما وقتی منافقین به تحریک صدام فروغ جاویدان را آغاز کردند مردم زودتر از نیروهای نظامی خود راه مناطق عملیاتی را ساندند.

موقعیت جمهوری اسلامی پس از پایان دفاع مقدس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ برخی در دستاوردهای جنگ تحمیلی چون و چرامی‌کنند و بعضا تعداد شهدا و اسرار عملیات‌های مختلف را بهانه‌ای برای ان‌قالت‌های خود به اصل دفاع مقدس قرار می‌دهند؟

ما در دستاوردها کاملا پیروز هستیم؛ مرزها را نگه داشتیم، قدرت خود را به جهان‌یان نشان دادیم و حتی در این جنگ باید بگوییم عراق را فتح کردیم. شهید زیاد دادیم، جانبازان ما امروز با مشکل روبه‌رو هستند، خانواده شهدا با برخی مشکلات مواجهند و این مدیریت داخلی ماست که قدری سست عمل می‌کند، اما در حقیقت عراق را فتح کردیم. صدام با چه ذلتی رفت؟ اگرچه آمریکایی‌ها جنایت کردند و این جای می‌خورد. حرکت حماس، حزب الله و حرکت شیعیان بمن دستاوردهای همین دفاع هشت ساله است.

امروز آمریکایی‌ها بیش از ۱۵ هزار دیپلمات و عامل در عراق دارند اما نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. رئیس‌جمهور آنها هم وقتی به عراق وارد می‌شود مانند دزد از دیوار بالا می‌رود و از دیوار هم فرار می‌کند. امام آن زمان فرمود: «می‌گویند در ایران هیچ اتفاقی نیفتاده است، اگر اتفاقی رخ نداده پس چرا اینقدر سروصدا می‌کنید؟ اینکه سروصدا می‌کنید پس اینجا خبری است.» چرا این همه مراکز اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی راه افتاده‌است؟ لذا دستاوردهایی که به لحاظ فرهنگی، سیاسی، نظامی، انسانی و انتقال این فرهنگ به کشورهای دیگر داریم، برای ما مهم است. در تبیین و تدوین تا چه حد بتوانیم موفق باشیم بحث دیگری است.

اما کسانی که نعل وارونه می‌زنند و تاریخ را تحریف می‌کنند هم به کشور خیانت و هم به دشمن کمک می‌کنند. طبیعی است که در جنگ خطاهایی داشتیم اما خطا را من نوعی کرده‌ام نه جنگ و دفاع مقدس! کسی در گردانی فرمانده بود و خطا کرد، نیت او که خطا نبود، پیش‌بینی‌ها و تحلیلش اشتباه از آب درآمد. کلیت جنگ همه‌اش خدمت بود.

پس اینکه میزان بالای تلفات انسانی ونظامی در برخی عملیات‌ها به‌عنوان خیانت مطرح می‌شود خلاف واقع است؟

همه دستاوردهای جنگ مفید بود. در جایی و در عملیاتی چند شهید دادیم و در عملیاتی دیگر هم ۱۲ هزار اسیر گرفتیم. در عملیاتی هم بخش عمده را علی‌رغم بمباران هوایی توانستیم نجات دهیم. آنهایی که ان‌قالت‌هایی مانند ما جاری فتح خرمشهر می‌آورند یا نمی‌دانند که جاهل هستند یا می‌دانند و علی‌رغم علم به موضوع طرح شبهه می‌کنند که خائن هستند. از این دو حال خارج نیست.

اینکه برخی مطرح می‌کنند نیروهای آزاد شده از جنگ را نتوانستیم مدیریت کنیم ربطی به جنگ ندارد. من نوعی مقصر هستم که وزیر، وکیل و مدیر هستم و نتوانستم از این نیروهای متخصص استفاده کنم. اینکه برخی جانبازان ما هنوز مشکل دارند از سستی مدیریت ماست که بعد از ۲۰ سال اینها را هنوز داریم. این ربطی به اصل دفاع مقدس ندارد. این جاها باید ضعف مدیریت مطرح شود که نگاه بلندمدت نداشتیم. امروز هم از اینکه یکی را متهم کنیم چه نتیجه‌ای می‌گیریم؟ منافقین را متهم نمی‌کنیم که جنایت کردند، آمریکا را متهم نمی‌کنیم که جنایت کرده است، فرانسه را متهم نمی‌کنیم که تا آخرین لحظه به صدام سلاح داد، ولی یک فرمانده پاک، سالم، متدین و زحمتکش را متهم می‌کنیم؟

همین فرمانده بود که رزمنده‌ها را به خط کرد و ایستاد. شهید دادیم، اشتباهاتی هم بود، اما به‌طور کلی کارنامه دفاع مقدس درخشان است. اگر مقدمات را ببینیم آن‌وقت اشتباهات را می‌توانیم تحلیل کنیم، چون اولا تجهیزات نداشتیم و حمایت نمی‌شدیم، ثانیانظام سیاسی نپویا بود. فرمانده نظامی‌ها [به سبب فقدان نیروی اطلاعات قدرتمند] تعجب‌آور بود. شهید چمران را چطور شناسایی کردند و به شهادت رساندند؟ جز اینکه منافقین و عوامل نفوذی اطلاعات دادند؟ هواپیما ی شهید محلاتی را چگونه زدند؟ برای ارزیابی باید در آن طرف زمان و مکان قرار بگیریم.